

اسرار کوهستان سغد

دکتر احرار مختاروف

آکادمیسین اکادمی علوم جمهوری تاجیکستان



آشنا: در نگارش تاجیکی مقاله، هیچ تغییری داده نشده است، فقط معنا یا معادل فارسی ایرانی کلمات، در داخل دو قلاب [] آورده شده است.

تاجیکان مقالی دارند: «گنج را در کوه باید جستجو کرد». کوهستان تاجیک نه تنها مکان گنجهای طبیعی، بلکه آثار زیاد تاریخی نیز می باشد. باشندگان [= ساکنان] این سرزمین هزارها سال است که در این دیار زندگی می نمایند و از جریان حیات مدنی خود نشانه های زیادی میراث مانده اند [= به جای گذاشته اند]. تدقیقاتهای باستانی [= کاوش های باستانی] در این ناحیه نشان می دهند که اکثریت دهکده های بالا آب زرفشان، تاریخ ۱۵۰۰ ساله و از این پیش را دارند.

اولین کشفیاتهای تاریخ خلق تاجیک از همین سرزمین آغاز یافته اند. سال ۱۹۲۴ اتنوگراف معروف م. س. اندریف (M.S. Andreev) از دهکده آب بُردان مستچاه ستون چوبین باشکوهی را پیدا نموده به شهر تاشکند می برد. این ستون با یک صنعت بلند [= هنر برجسته] کننده کاری شده بود. بسیاری از عالمان تخمین می کردند که این ستون محصول دست هنرمندان محلی نبوده، بلکه دسترنج هنرمندان سمرقند و یا شهر دیگر می باشد. اما در سالهای ۲۰-۴۰م عالمان، چنین یک ستون [= مانند این ستون] و آثار دیگر کننده کاری شده ی عصرهای IX-X [= نهم و دهم] را از دیگر دهکده های این وادی نیز پیدا نمودند.

از جمله باز یافتهای سالهای ۴۰-ام، محراب چوبی ثی که از دهکده ایسکادر پیدا گردید، جای مخصوصی را اشغال می نماید. این محراب با یک هنر بلند کننده کاری نقشبندی شده است. محراب یکی از شاه اثرهای هنر تصویری عصرهای IX [= نهم] بشمار می رود. آثار زیاد کننده کاری چوبین، متعلق به عصرهای IX-X که از طرف عالمان از این دیار پیدا شده اند، از آن گواهند که این سرزمین در گذشته مکان هنرمندان گلدمست بوده است. این مطلب را چوبهای نقشین، پیدا کرده باستانشناسان از خرابه های قلعه مدم (Madm) و پنجه کنت (Panjakent)، بار دیگر اثبات نمودند.

سال ۱۹۳۲ از طرف چوپان خیر آبادی «جوره علی محمدعلی» در قلعه چة کوه مُغ (mug) تصادفاً یافت شدن حجت های [= اسناد] سغدی، نام کوهستان تاجیک را در عالم مشهور گردانید. این کشفیات اهمیت عمومی جهانی



سنگ‌نوشته بایر میرزا

[= هشتم تا هشتم] را که حالا در بین خلق با نام گردنه حصار مشهور است، کافتوکاو نمودند. این دیبه در عرفه [= در آستانه] استیلای عربها، مرکز بوتمن (Butaman = پیشین نام دولت بالا آب زرفشان تا عصرهای XII میلادی) پیروده است. در این گوشک، خانه های زیاد زیست خویشگی، عیادتگاه و تالار پر حشمتی وجود داشتند. در سمت شمال، جنوب و غربی گوشک، بیش از ۳۵ خانواده کشاورزان زندگی می کردند. این اولین دهکده ای می باشد که در این منطقه از هجوم عربها و آفت های طبیعت کمتر ضرر دیده، تا زمان ما آمده رسیده است. به طفیل کشفیات این دهکده، علم تاریخ اولین بار در باره طرح و نمود دهکده های آنوقته [= آن دوران]، منزل گاههای کشاورزان حیات اجتماعی اشان گوناگون [= کشاورزان دارای زندگی اجتماعی گوناگون]، عبادتخانه زردشتی و راجع به هنر مندی و معاملات بین شهر و دهکده، معلومات [- اطلاعات] پیدا نمود. همه اینها امکانیت دادند که عالمان در باره شکل یابی ساخت جمعیت فتودالی در دهات خلاصه های نو بر آوردند [= نتیجه های نوینی گرفتند].

سال ۱۹۷۹ قبل از شروع کار باستانشناسان باز یک کشفیات بزرگ تاریخی به میدان آمد. در روبروی قلعه

داشت. توسط آن، اهل علم با خط نکاح دختر سغدی - دوگدانچه [= با عقدنامه ازدواج دختر سغدی به نام دوگدانچه]، نام شاه « پنج » - دیواشتیج (Devashtich)، شورش ضد عربها در سالهای ۷۲۱-۷۲۲ و اسرار دیگر قرنهای VII-VIII [= هفتم و هشتم] شناس [= آنت] شد. محض در اساس [= از رهگذر] در پی [همین حجت ها نام ولایت پنج سغدی و مرکز آن شهر قدیمه پنجه کنت معلوم گردید. باستانشناسان از سال ۱۹۴۶ اینجانب] = به این طرف] در خرابه های پنجه کنت قدیم کافتوکاو می برند] = جستجو و کاوش می کنند]. باز یافته های هر ساله از این خرابات، صحیفه های درخشان حیات سغدیان در عرفه [= در آستانه] استیلای عربهاست.

یکی از سرچشمه های نادر تاریخی کتیبه ها می باشند. در مدت سی سال آخر از حدود فلغر و مستجه [Falgaru mastchoh] تقریباً ۲۰۰ عدد خط روی سنگی، یکچند هزار حجتهای فاضیگی (محضرات) [= استاد حقوقی] دسترس علم گردید. تدقیق این سرچشمه ها از آن شهادت می دهند که کوهستان شامل مدینت به خود خاص بوده، در تشکل و تکاملات خلق تاجیک و دیگر حقیقتی آسیای میانه سهم ارزنده ای گذاشته است. ساکنان این دیوار نه فقط با دیگر نواحی ماوراءالنهر، بلکه با خراسان و ممالک دیگر شرق رابطه های مدنی و ادبی داشته اند.

در بین کتیبه های [ی که] از بالا آب رودخانه زرفشان دسترس تدقیقاتچیان [= کاوشگران] گردیده، خط یادست بایر - اساسگذار سلاله خاندان تیموریان هند - نوشته شده. جالب دقت می باشد. به عقیده شرقشناسان دستخط بایر یکی از کشفیاتهای مهم تاریخی به شمار می رود.

در بدل [= در طول] سالهای ۱۹۶۴-۱۹۷۵ در نزدیک دهکده مدم [madm]، ۱۲ کیلومتر غربتر قلعه کوه مغ [mug] باستانشناسان، خرابه گوشک عصرهای VI-VIII

سرواده [Sarvoda] در بلندی زیاده از ۲۵۰۰ متر، از زیر خرسنگ های [= سنگ های بزرگ، صخره ها] کوهی، محصلین [= دانشجویان] هیکل چوبی پیدانمودند. مجسمه، تصویر یکی از خدایان دین زردشتی می باشد. وی در دوره های پیش از دین اسلام در یکی از عبادتخانه های محلی محفوظ می گردیده است. وقتی که عربها این سرزمین را اشغال نموده، دین اسلام را جاری می کنند، این مجسمه همراه انجامهای [= وسائل] دیگر در این غار پنهان می شود. زیرا عربها دیرهای زردشتی [را] ویران و مجسمه های خدایان را می سوزانیدند. مجسمه در تن، لباس و اسبابهای حربی: جوشن، خنجر، شمشیر و در پایهایش مهسی (پایپوش از پوست حیوانات) [آشنا = احتمالاً: مسیحی] و در دست آهوی سه سره داشت. اما به دست مافقط یک پای مهسی [= مسیحی]، پاره های جوشن و پاره های غلافهای شمشیر و خنجر رسیدند و خلاص.

از روی معلومات [= اطلاعات] سرچشمه های تاریخی در گذشته معلوم که هیکل خدایان با سر و لباس، سنگهای قیمت بها و طلا و نقره زینت داده می شدند. مثلاً مورخ معروف طبری حکایت می کند که سال ۷۱۲ عربها تنها از یک بُت چوبین خانه خدایان سمرقند ۵۰ هزار مثقال (یک مثقال = ۴/۴ گرم) طلا آب کرده گرفتند. هر یک بتخانه [= در هر بتخانه ای] غیر از سر و لباس، اسبابهای زینت بدن هیکل ها، خزینه مخصوص داشت که در آن چیزهای به خدا تقدیم گردیده اشخاص زیارت کننده، نگاه داشته می شدند. طبق گفته های طبری خلاصه می براید [= چنین نتیجه گیری می شود] که همراه بت، خزینه عبادتگاه نیز وجود داشت. بنابراین تخمین می رود که هیکل و چیزهای یافت شده، یک قسم خزینه عبادتگاه می باشند.

بت پیدا گردیده موافق نوشته های اوستا به خدای مهر نسبت دارد. نام این خدا در حجت های سفدی از کوه مُغ یافته شده، ذکر شده است. موافق عرف و عادت سفدیان، عروس

و داماد در پیش روی هیکل مهر قسم یاد می کردند که آنها باهم دوستانه زندگی می کنند. مهر در اوستا چشم اهوره مزدا [هر مزدا] به شمار می رود. او در فایتون [= کالسکه، گاری] طلا گین چهار اسپه قناتدار [= بالدار] سوار شده در آسمان، گرد و گشت کرده، زمین اهوره مزدا را نظارت و پاسبانی می کرد. وی گوئی هزار گوش و ده هزار چشم داشته، هر چشم و گوش او در زمین دارای یک ملانکه ای بوده است. غیر از این، مهر، خدای حاصل [= محصول]، پرستار چاروا، قوت و ظفر بخشنده امتان اهوره مزدا به شمار می رفت.

این باز یافت اهمیت بزرگ تاریخی دارد. سرچشمه های عصر میانگی، درباره بتخانه ها معلوماتهای زیاد آورده اند؛ ولی درباره نمود، سیما و عکس کدام خدا را تصویر نمودن آنها چیزی نگفته اند. بنابراین، این اولین بتی می باشد که ما او را بعد از هزار و سیصد سال با چشم خود می بینیم. در عرفیت [= عُرف مردم] می گویند: «شنیدن کی بود مانند دیدن». حالا ما گفته می توانیم [= اکنون ما می توانیم بگوییم] که بتها، هیکلان خدایانی بوده اند که سفدها آنها را پرستش می کرده اند.

سیمای تاجیکی این هیکل به حل بعضی از مسائل مُباحثوی [= مورد مباحثه] اتنیکی (نژادی) خلقهای آسیای میانه در عرْفه استیلای عرب، یاری کلان خواهد رسانید. بسیار عالمان حتی درباره بت پرستی در آسیای میانه تا حال تصورات خطانی داشتند. آنها بت پرستی را با بودائی پرستی آمیخته می نمودند.

مجسمه چوبین توجه عالمان جهان را به خود جلب نمود. این بازیافت با دیگر نمود آلاتهای نادر تاریخی، در جاپون [= ژاپن] و برخی از دولتهای اروپای غربی نمایش داده شد و تماشا بینان مُلک های گوناگون [= سرزمین های مختلف] به تاریخ قدیمه خلق تاجیک، مراق (توجه) ظاهر نمودند [= اشتیاق نشان دادند]. ■